

نگاه

## توسل جمهوری خواهان به حربه تقلب برای شکست دموکرات‌ها در انتخابات

ترجمه: نعیم نوربخش

چگونه یک دروغ از طرف عموم جامعه به عنوان یک حقیقت پذیرفته می‌شود؟ پاسخ به طرز آزاردهنده‌ای ساده است؛ بارها و بارها آن را تکرار می‌کنند. هرگاه با حقایقی که متناقض آن هستند مواجه ششوند، با صدای بلندتری تکرار می‌کنند. در یک کلام می‌توان گفت این حقیقت هسته اصلی داستان ادعای تقلب انتخاباتی در ایالات متحده بخصوص تقلب هویتی رای‌دهندگان است.

اخیرا یک نظرسنجی روزنامه «واشنگتن پست» مدعی شده است که نیمی از رای‌دهندگان ثبت‌نام کرده آمریکایی معتقدند که تقلب انتخاباتی در این کشور گاهی یا اغلب رخ می‌دهد. از این رقم حیرتانگیز مشتمل بر دوسوم آن مدعی رای دادن به «دونالد ترامپ» و حدود ربع آن مدعی طرفداری «هیلاری کلینتون» هستند. باقی ۲۶ درصد این جمعیت نمونه گفته‌اند که تقلب به ندرت رخ می‌دهد و تنها یک درصد از پاسخ‌دهندگان گزینه «هرگز» را انتخاب کرده‌اند.

از مطالعات مکرر حکایت از آن دارد که تقریبا هیچ تقلبی در پهنه آمریکا رخ نداده است. جامع‌ترین تفحصی که تا به امروز انجام یافته است به این نتیجه رسیده که از میان یک میلیارد رای متخذه بین سالهای ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۴ تنها ۳۱ مورد مشکوک به تقلب هویتی رخ داده است. سایر تخلفات مانند رای‌دهی به جای افراد غالب، رای متعدد و تقلب در ثبت‌نام نیز به طرز قابل توجهی نادر هستند. پس به چه دلیل افراد زیادی افسانه تقلب را باور دارند؟



مسئب این فریب عظیم، قانونگذاران جمهوری‌خواه هستند که سالیان متمادی مروج دافعت موهوم تقلب انتخاباتی و لزوم تصویب قوانین هویتی رای‌دهندگان با هدف کاهش رای جمعیت‌های خاص حامی دموکرات‌ها بوده‌اند. این جمعیت‌ها عموما شامل اقلیت‌ها، فقرا و دانشجویانی می‌شود که احتمال کمتری از داشتن اسناد هویتی لازم توسط آنها می‌رود.

در پشت درهای بسته برخی جمهوری‌خواهان آشکارا می‌پذیرند که ترویج ترس واهی از تقلب‌های انتخاباتی، بخشی از استراتژی سیاسی آنهاست. در یکی از ایمیل‌هایی که اخیرا افشا شده مربوط به سال ۲۰۱۱، یک لابی‌گر جمهوری‌خواه در ویسکانسین به همکاران خود در مورد یک رقابت خیلی نزدیک برای کرسی در دیوان عالی ایالتی نوشته است: «با لازم است پیغام‌های انبوه مبنی بر گزارش تقلب‌های وسیع انتخاباتی پخش کنیم و فارغ از نتیجه ۴۲ یعنی حمله نظامی نگه داشته‌اند.

البته جنگ پنهان که جنگ سایبری بود یا عملیاتی کردند و به تأسیسات هسته‌ای ایران حملات سایبری کردند و تعدادی از دانشمندان هسته‌ای ما را هم ترور کردند.دولت آمریکا هم

۱۴ماه از امضای برجام گذشت؛ مهمترین اتفاق در تاریخ دیپلماسی ایران که صفحهٔ تازه‌ای در روابط خارجی ما یا نظام بین‌الملل گشود، هنوز محل اما و اگرهای دلواپسان است. سیدحسین موسویان، عضو ارشد تیم در آلمان و معاون پیشین سیاست خارجی پیشین هسته‌های، سفیر اسبق کشورهای شورای عالی امنیت ملی ایران در گفت‌وگوی اختصاصی با خبر آنلاین، تازه‌ترین فرضیه‌های دلواپسان را مورد بررسی قرار داده است که در ادامه می‌خوانید:

**برخی بر این باورند که اساسا قبل از برجام تهدید حمله احتمالی نظامی آمریکا و اسراییل به ایران وجود نداشته است. آیا این برداشت درست است؟**

اگر متصفانه قضاوت کنیم اصل تهدید احتمالی حمله نظامی به ایران قبل از برجام را نمی‌توان منکر شد. قدرتهای جهانی در زمان دولت قبلی با صدور قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، برنامه هسته‌ای ایران را به عنوان تهدید صلح و امنیت جهانی قلمداد کرده و کشور ما را در فصل هفتم منشور سازمان ملل گذاشتند که معنی سیاسی و حقوقی و امنیتی آن هم روشن است. فصل هفت منشور سازمان ملل یعنی صدور مجوز تحریم‌های اقتصادی و حمله نظامی تحت شرایطی که شورای امنیت تشخیص می‌دهد. بندهای ۴۰ و ۴۱ منشور که تحریم اقتصادی بود را اعمال کردند و ایران را در آستانه ۴۲ یعنی حمله نظامی نگه داشتند. البته جنگ پنهان که جنگ سایبری بود یا عملیاتی کردند و به تأسیسات هسته‌ای ایران حملات سایبری کردند و تعدادی از دانشمندان هسته‌ای ما را هم ترور کردند.دولت آمریکا هم

نظرسنجی‌های انجام شده بعد از اولین مناظره انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از پیروزی نامزد دموکرات‌ها حکایت می‌کند. تا این بخش از رقابت‌های انتخاباتی هیلاری کلینتون توانسته ۶۲ درصد آرای نظرسنجی‌های پس از مناظره اول انتخابات را از آن خود کند و در مقابل هم دونالد ترامپ با بدست آوردن ۲۷ درصد آرا در فاصله زیادی از او قرار گرفته است.

شفافیت در گفتار و همچنین ارائه برنامه‌های روشن تر در زمینه اشتغال، سیاست خارجی و مقابله با تروریسم از جمله دلایلی هستند که شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی برای انتخاب کلینتون به آن اشاره کرده‌اند. اما در زمینه مسائل اقتصادی ترامپ نتایج بهتری نسبت به رقیب انتخاباتی خود بدست آورده است. برای آشنایی بیشتر نسبت به مواضع ترامپ و دلایل گرایش بخشی از جامعه آمریکا به او یا دکتر سید عبدالعلی قوام استاد تمام دانشگاه شهید بهشتی که تاکنون حدود ۱۷ کتاب در زمینه روابط بین‌الملل و بیش از ۱۲۰ مقاله به زبان انگلیسی و فارسی در زمینه روابط بین‌الملل و توسعه نوشته، گفت‌وگویی کردیم. گفت‌وگو دیپلماسی ایرانی با دکتر قوام را می‌خوانید:

**به عقیده شما چه عواملی در ظهور پدیده دونالد ترامپ در جامعه آمریکا موثر بوده‌اند؟**

ظهور ترامپ را می‌توان ناشی از بحران‌های بسیار جدی اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی در جامعه آمریکا دانست و اگر بخواهیم ریشه این امر را بررسی کنیم باید به زمان شوروی بازگردیم که سیستم دوقطبی در عرصه بین‌المللی حاکم بود و آمریکا دیپلماسی مشخصی را در روابط بین‌الملل تعقیب می‌کرد. آن‌ها سیاست‌های امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را با توجه به وجود این دیگر (شوروی)، تنظیم می‌کردند.

در واقع در آن زمان وجود شوروی و بلوک شرق به سیاست‌های خارجی آمریکا معنا می‌داد و با فروپاشی شوروی بود که جامعه آمریکا خلأیی در دوران جورج بوش اول و پس از آن کلینتون را تجربه کرد و این خلأ همانطور در آمریکا باقی ماند به طوری که حتی خاتم البرایت وزیر خارجه وقت کلینتون در ماه‌های آخر مسئولیتش در میان انجمن زنان آمریکا، گفت: «ما در دو دوره ریاست جمهوری کلینتون سیاست خارجی مشخصی نداشتیم.» این سیاست خارجی مشخص مربوط می‌شده به بحرانی که به خاطر فروپاشی نظام دوقطبی به وجود آمده بود و با روی کار آمدن جورج بوش دوم آمریکا سعی کرد به سیاست خارجی جدید مسائل امنیتی و اقدامات نظامی و کمک‌های خارجی‌اش معنا ببخشد. اقدامات نظامی و فعالیت‌های دیگر آمریکا هم که مصادف با حادثه یازده سپتامبر بود در همین زمره است. حادثه یازده سپتامبر مجدداً آمریکا را با یک بحران جدی‌تر مواجه می‌کند و پس از آن موضوع بحران هویت و به طور کلی بحث ضعف آمریکا مطرح می‌شود؛ چرا که در حادثه ۱۱ سپتامبر خیلی خاک این کشور به راحتی مورد تجاوز قرار گرفت. پس از آن هم مسائلی مانند دخالت در افغانستان و عراق باعث شد تا آمریکا با بحران اقتصادی بسیار جدی مواجه شود و این درحالی بود که بحران روانی همچنان در این کشور وجود داشت.

جدا از بحران اقتصادی که برای آمریکا به واسطه حضور نظامی در سایر کشورها ایجاد شد ورشکستگی بانک‌ها، همچنین افزایش بیکاری در این کشور مزید بر علت شد تا انتظارات بالای مردم از ایوپاما و حزب دموکرات تأمین نشود و این در حالی بود که دموکرات‌ها کار خود را به خوبی انجام دادند و نمره قابل قبولی گرفتند و با وجود اینکه اقتصاد آمریکا را از ورشکستگی درآوردند؛ ولی همچنان بحران در داخل این کشور وجود داشت.

تحت این شرایط و با توجه به انتظاراتی که تأمین نشد نوعی سرخوردگی در جامعه آمریکا به وجودآمد و جامعه به سمت جناح چپ و راست کشیده شد و گروهی جذب جناح سندنرز و گروه دیگر جذب جناح ترامپ شدند. هر دو گروه چه آنهایی که به سمت چپ حزب دموکرات یعنی سندنرز رفتند و چه کسانی که به سمت راست یعنی ترامپ گرایش پیدا کردند منتظر یک تغییر اساسی بودند، به همین دلیل

سیدحسین موسویان تشریح کرد:

# ۴ ویژگی قدرت دفاعی ایران که تهدید حمله نظامی‌را دفع کرد

اوباما شخصاً به دنبال برقراری رابطه با ایران بود

زهرا خدایی

ونفوذ روحانیت شیعه در ایران آنها با تجاوز صدام، یکبار جنگ با ایران بعد از انقلاب را تجربه کرده بودند. جنگی که طولانی ترین جنگ بعد از جنگ جهانی دوم و طرف مقابل ایران هم همه قدرتهای شرق و غرب و ارتجاع عرب بود. مردم و رهبری ایران دشمن مسودر حمایت همه قدرتهای جهانی را با ذلت از خاک ایران بیرون راندد. لذا همین دو عنصر یعنی ایمان و فداکاری مردم و اقتدار رهبری مذهبی و روحانیت شیعی، عامل بازدارنده تعیین کننده‌ای برای حمله نظامی به ایران بود.

۲- برجام دلیل دیگر رفع تهدید جنگ بود. با برجام، فصل هفت منشور سازمان ملل در مورد ایران را فلج و به یک معلول ۹۸ درصد تبدیل کرد. بر اثر برجام، قطعنامه‌های قبلی سازمان ملل منتهی و تحریم‌های اقتصادی سازمان مللی هم برداشته شد و لذا ایران از ماده ۴۰ و ۴۱ خارج شد. این بدان معنی است که اعمال ماده ۴۲ یعنی مجوزحمله نظامی کاملا «کان لم یکن» شد. بنابراین برجام مشروعیت، مقبولیت و تمام مبنای قانونی - حقوقی - سیاسی - امنیتی بین‌المللی گزینه حمله نظامی به ایران را از بین برد.

۳- قدرت دفاعی ایران چهار ویژگی دارد که

قطعا یکی از عوامل رفع تهدید حمله نظامی، قدرت دفاعی ایران هم به موشک محدود نیست. اولاً: توان تسلیحات متعارف ایران از جامعیت و قابلیت بالایی برخوردار است.

ثانیاً : این قدرت خانگی است و نه وارداتی.

ایسران در صنایع نظامی خودکفایتین کشور خاورمیانه است.

ثالثاً: ایران از دو ارتش برخوردار است؛ یکی

سپاه و یکی هم ارتش که نمونه آن را در کشور دیگری نمی‌یابید.



برای اولین بار فردی مثل سندنرز توانست محبوبیت پیدا کند و آرای قابل توجهی را به خود اختصاص دهد، به طوری که حتی وقتی خود او از هیلاری کلینتون حمایت کرد همچنان طرفدارانش به او پایبند بودند.

نکته‌ای که باید اضافه کنیم این است که طبق نظرسنجی‌های اخیر ۶۰ درصد از مردم آمریکا نه ترامپ را قبول دارند و نه کلینتون را چراکه آنهایی که طرفدار سندنرز هستند شدیداً مأیوس شدند و امکان دارد اصلاً رأی ندهند. بنابراین برای اطلاع از چگونگی نتایج آرای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا باید نظر ۴۰ درصدی که رأی می‌دهند را مورد بررسی قرار بدهند.

**موضع ترامپ در قبال مقابله با داعش چیست و به طور کلی برنامه‌های او در زمینه سیاست خارجی را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

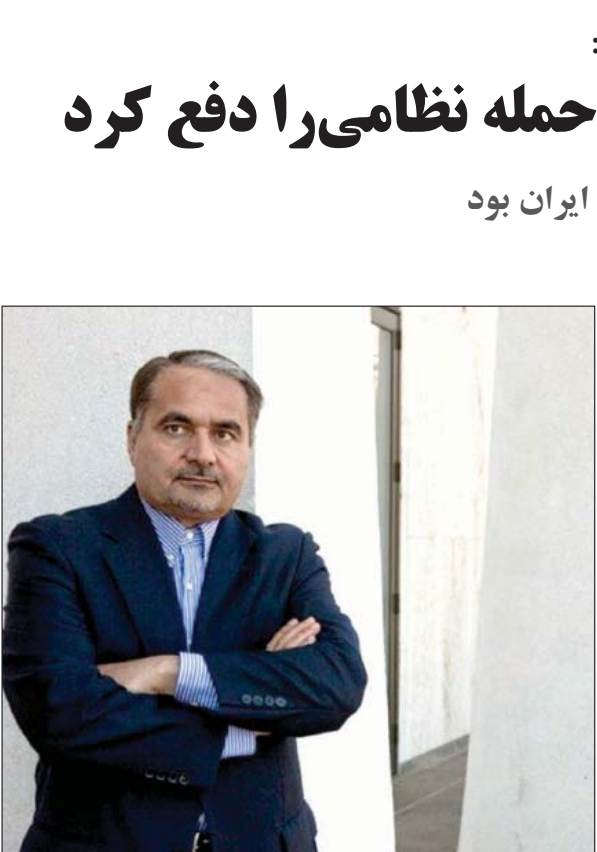
وقتی از ترامپ در مورد مقابله با داعش سئوال کردند او گفت که این یک برنامه محرمانه است و نمی‌توانم آن را اعلام کنم. این موضوع به نگرش آن‌ها نسبت به دموکراسی باز می‌گردد و سایر نماینده‌های احزاب آمریکا هم برنامه‌های خود در زمینه‌های مختلف را به صورت کلی بازگو می‌کنند. از سوی دیگر برای آمریکایی‌ها سیاست داخلی در اولویت قرار دارد نه سیاست خارجی. به همین دلیل هم تاریخ و جغرافیای آن‌ها بسیار ضعیف است و تا زمانی که بحث جان و زندگی آمریکایی‌ها در میان نباشد نسبت به سیاست خارجی توجهی نشان نمی‌دهند زیرا اولویت و دغدغه مردم آمریکا رسیدگی به امور اقتصادی است.

**مواضع ترامپ در قبال سوریه را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

ترامپ این سئوال را مطرح می‌کند که چرا آمریکا در مسائل مربوط به سوریه دخالت نکرد و ساکت ماند؟ همین‌طور می‌گوید که چرا آمریکایی‌ها در رابطه با برجام کوتاه آمدند؟ ترامپ این رفتارها را نوعی ضعف می‌داند و همین مواضع او و تقویت حسن ناسیونالیستی آمریکایی‌اش بر شمار حامیانش می‌افزاید.

فراموش نکنیم در گذشته هم آمریکا این تجربه را داشته است؛ یعنی در گذشته هم جماعتی به سمت رونالد ریگان رفتند و از حزب دموکرات دست کشیدند. ریگان هم بر این باور بود که در رابطه با شوروی سر آمریکایی‌ها کلاه گذاشته شد و «فرزاد سالت» باعث شد آمریکا ضعیف و شوروی قوی تر شود.

**شما با این گزاره که ترامپ حسن ناسیونالیستی خفته آمریکایی‌ها را بیدار کرد، چقدر موافق هستید؟**
امریکایی‌ها با لاقل بخش‌هایی از مردم این کشور احساس کردند که قدرتشان در سطح جهانی رو به نازل گذاشته تا حد زیادی وضعیت معیشتی طبقه متوسط در سطح طبقه کارگر نازل پیدا کرده است. در این شرایط بود که شعارهای فردی مانند ترامپ برای مردم جذابیت پیدا می‌کند چراکه او می‌گوید: «من غرورتان را به شما باز می‌گردانم، حسن ناسیونالیستی آمریکایی‌ها را تقویت و همچنین با جهانی



**رابعا:** ایران یک ارتش مردمی چند میلیونی به نام بسیج دارد که این هم در ارتش‌های جهان منحصر بفرد است.

۴- دلیل دیگر هم سرخوردگی و شکست آمریکا در دو حمله نظامی به افغانستان و عراق در طول یک دهه قبل از بحران هسته‌ای بود. آمریکایی‌ها حدود ۷۰۰۰ کشته و ۵۰۰۰۰ مجروح دادند، یک میلیون پرونده اخذ خسارت برای ناتوانایی‌های جسمی بر اثر جنگ روی میز دولت شان قرار گرفت، ۶۰۰۰ میلیارد دلار هزینه جنگ کردند و نهایتاً هم دست

از پا درازتر ست میدان را خالی کردند. لذا افکار عمومی آمریکا شدیداً با ورود آمریکا به جنگ سوم مخالف بود. ارتش آمریکا هم خوب می‌فهمید که ایران نه عراق است و نه افغانستان و لذا هزینه حمله به ایران فوق‌العاده بیشتر خواهد بود. ضمن اینکه شخص ایوپاما هم با وجودی که گزینه نظامی را روی میز داشت اما باطناً دنبال حل و فصل مسألت‌آمیز بحران هسته‌های، گشودن باب گفت‌وگو در باب مسائل منطقه و حتی برقراری رابطه با ایران بود.

ترامپ می‌گوید باید سعی کنند سرمایه داران را در آمریکا جمع کنند، نه اینکه اجازه دهند سرمایه داران خارجی منابع مالی آن‌ها را ببرند و درحقیقت می‌توان گفت ترامپ بیشتر دنیای این است که در داخل آمریکا کار ایجاد کند و صنایع را توسعه بدهد.

علاوه براین کاندیدای جمهوری خواه می‌گوید بسیاری از صنایع نظامی آمریکا از رده خارج شده اند و با مقتضیات امروز سازگار نیستند. از نظر او لازم است تا نیروی هوایی و دریایی آمریکا بازسازی شود، یعنی صنایع نظامی توسعه پیدا کنند و در حقیقت این کار را به معنای اشتغالزایی برای مردم آمریکا می‌داند.

از سسوی دیگر ترامپ پیشینه فعالیت‌های اقتصادی دارد و اغلب مسائل را هم از زاویه اقتصادی می‌بیند و بر همین اساس به دنبال جذب سرمایه‌گذاران خارجی در آمریکا است تا از این طریق برای مردم کشور اشتغالزایی کند.

باور ترامپ این است که آمریکایی‌ها نباید خرج تأمین امنیت در عربستان و ژاپن را پرداخت کنند. از نظر او آن‌ها باید در آمریکا سرمایه‌گذاری کنند. البته به عقیده من ترامپ به دنبال کشورگشایی نیست زیرا جمهوری‌خواهان محافظه کار هستند و چنین اهدافی را دنبال نمی‌کنند. در زمان جورج بوش هم یکی از شعارهای انتخاباتی او این بود که دیگر حاضر نیست وقتی در کشوری مسأله ای پیش می‌آید برای اولی که آمریکا روی بینازند. ترامپ هم بر همین باور است و می‌گوید اگر عربستان یا کشور دیگری می‌خواهد که ما امنیت آن‌ها را تضمین کنیم باید هزینه‌هایش را هم بپردازد.

**چقدر سد مردم آمریکا با نظرس ترامپ در رابطه با مهاجران و کشیدن دیوار بین آمریکا و مکزیک موافق هستند؟**

حدود ۵۰ درصد از جامعه آمریکا با اینس نظر ترامپ موافق هستند. به خصوص افرادی که شدیداً سرخورده شده، کم‌بوساد هستند و از مهارت‌های لازم برخوردار نیستند و در سیستم آمریکا له شده اند، به وعده‌های اشتغالزایی ترامپ توجه زیادی می‌کنند.

برای قشری از آمریکایی‌ها که از ترامپ طرفداری می‌کنند اصلا سیاست خارجی اهمیت ندارد. آمریکایی‌ها هیچگاه بر روی مباحث سیاست خارجی به عنوان یک اصل مهم مانور نمی‌دهند؛ بلکه تا جایی به سیاست خارجی توجه می‌کنند که این سیاست خارجی طوری اتخاذ شود که سود آن به داخل کشورشان بازگشته و برای مردم کار ایجاد کند و به طور کلی می‌توان گفت که برای آمریکایی‌ها مسئله مهم این است که مالیات کمتری داده و از رفاه بیشتری برخوردار شوند.

**به عقیده شما ترامپ درباره برجام چه واکنشی خواهد داشت؟**

درست است که ترامپ در شعارهای انتخاباتی خود ضد روند متعارف و تشکیلات بوروکراسی صحبت می‌کند؛ ولی فراموش نکنیم که ما در رابطه با ریاست جمهوری آمریکا صحبت می‌کنیم یعنی سیستمی که کاملاً جا افتاده است. رئیس جمهوری دارد که مواظب کنگره بوده و کنگره ای دارد که مواظب رئیس جمهور است. همچنین یک دادگاه فدرال دارد که هر دوی آن‌ها را زیر نظر دارد؛ بنابراین نوعی سیستم متعادل و قضاوت در آمریکا وجود دارد. این طور نیست که وقتی ترامپ به قدرت برسد بتواند تمام مواردی که پیش از اظهار کرده بود را عملی کند و یک مرتبه سیاست خارجی آمریکا را تغییر دهد. سیاست خارجی آمریکا به این سرعت تغییر نمی‌کند؛ چرا که کاملاً نهادینه شده است. در نهایت شاید ترامسپ بتواند به صورت تاکتیکی تغییراتی ایجاد کند؛ ولی نمی‌تواند اساس برجام را تغییر دهد. در عمل مواضع قانونی برای او وجود دارد و نمی‌تواند بگوید من برجام را قبول ندارم. در هر صورت آمریکا منافع خود را در نظر خواهد گرفت و با وجود اینکه در حال حاضر ترامپ خودش به تنهایی صحبت می‌کند و تصمیم می‌گیرد ولی اگر رئیس جمهور شود باید بر اساس قواعد بازی عمل کند، بنابراین من بعید می‌دانم ترامپ بتواند تغییرات اساسی در رابطه با اجرائی برجام ایجاد کند. در هرصورت اگر بخواهد به همین شیوه پیش برود در نهایت روابط خوبی با ایران نخواهد داشت.

**بیامردم سالاری آماده دریافت پیامهای شماست**

**تلفن شماره روزی**

**۸۸۲۶۷۸۵۶**

**لومردم سالاری منعکس کننده انتقالات، پیشنهادها و اظهار نظرهای مردمی**